



سیمرغ بلورین

بیشتر سیمرغ‌ها بر شانه کارگردان جوان

شب «ابد و یک روز»

● سی و چهارمین جشنواره فیلم فجر هم با برگزاری مراسم اختتامیه در شامگاه ۲۲ بهمن به ایستگاه پایانی رسید تا صاحبان سیمرغ‌های این دوره از جشنواره هم مشخص شوند. در این میان، فیلم «ابد و یک روز» با ۹ سیمرغ و «ایستاده در غبار» با چهار سیمرغ از شگفتی‌سازان این دوره از جشنواره بودند.

بهترین کارگردانی: سیمرغ بلورین این بخش به سعید روستایی برای فیلم «ابد و یک روز» اهدا شد.

بهترین بازیگر نقش اول زن: سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن به پریناز ایزدیار برای بازی در فیلم «ابد و یک روز» تقدیم شد. **بهترین بازیگر نقش اول مرد:** سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد به پرویز پرستویی برای بازی در فیلم «بادیگارد» اهدا شد.

بهترین بازیگر نقش مکمل زن: سیمرغ بلورین این بخش به شبنم مقدمی برای بازی در فیلم‌های «نفس» و «زایاس» اهدا شد. **بهترین بازیگر نقش مکمل مرد:** سیمرغ بلورین این بخش به نوید محمدزاده برای بازی در فیلم «ابد و یک روز» اهدا شد.

بهترین فیلمنامه: سیمرغ بلورین این بخش به سعید روستایی برای فیلم «ابد و یک روز» تقدیم شد.

بهترین فیلم: سیمرغ بلورین این بخش به حبیب والی‌نژاد برای فیلم «ایستاده در غبار» اهدا شد.

همچنین جایزه ویژه هیأت داوران به هومن سیدی برای فیلم «خشم و هیاهو» رسید و نرگس آبیار نیز برای فیلم «نفس» سیمرغ بهترین فیلم از نگاه ملی را از آن خود کرد و این جایزه را از وزیر ارشاد دریافت کرد. در بخش آرای مردمی نیز فیلم «ابد و یک روز» توانست بهترین فیلم از نگاه مردم شود. در بخش هنر و تجربه هم جایزه بهترین فیلم به «نیم‌رخ‌ها» ی زنده‌یاد ایرج کریمی رسید و علی حضرتی تهیه‌کننده این فیلم پس از دریافت جایزه از مادر ایرج کریمی خواست تا روی سن بیاید و این جایزه را دریافت کند.

فرانک آرتا: هرچند داوری‌های این دوره جشنواره فیلم فجر کمی دور از انتظار بود، اما براینده نگاه داوران این دوره به نفع جوانان خلاق عرصه فیلم‌سازی تمام شد. با این حال، سؤالاتی درباره اینکه چرا فیلم برخی از فیلم‌سازان از جمله «بادیگارد» ابراهیم حاتمی‌کیا، «آژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی و «سیانور» بهروز شعبی مورد توجه واقع نشده، همچنان ذهن‌ها را قلقلک می‌دهد. به این بهانه با ابوالحسن داوودی، یکی از اعضای هیأت داوران، گفت‌وگو کردیم تا با رویکرد این داور و همکارانش بیشتر آشنا شویم:

اصولا در این دوره جشنواره، این هیأت هفت‌نفره داوری چه معیاری را برای انتخاب فیلم‌ها در نظر گرفتند؟ آیا نظرات خارج از این گروه روی داوری‌ها تأثیر گذاشت؟ حتی گفته می‌شود آرا در آخرین ساعات تغییر کردند، آیا شما تأیید می‌کنید؟

من ابتدا سؤال آخری شما را پاسخ می‌دهم. اگر قرار بود اعمال‌نظری صورت بگیرد، قطعا از همان ابتدا این گروه هفت‌نفره واکنش جدی و قاطع نشان می‌دادند. خوشبختانه من در دو، سه دوره که داور جشنواره فیلم فجر بودم، با قاطعیت می‌گویم هیچ‌کس در هیچ دوره‌ای هیچ سفارشی به من نکرده است. چون اگر چنین می‌شد، قطعا با واکنش صریح من روبه‌رو می‌شد. حتی ندیدم که مدبری یا دبیری به صورت تلویحی بخواهد که از کسی یا فیلمی حمایت کنیم. پس اگر کسی چنین نظری دارد که اعمال‌نظری صورت گرفته، قطعا از تئوری توهم وطنه‌ای که متأسفانه بر تفکر بعضی حاکمیت یافته، نشئت گرفته است! داوری این دوره هم مثل همه جشنواره‌های مشابه دیگر طبعاً از دانش، تجربه و سلیقه تکتک اعضای هیأت داوران می‌آید. هر یک از اعضا، افراد شناخته‌شده سینمای ایران هستند که سینما را می‌شناسند. بدون اغراق باید بگویم که ترکیب هیأت داوران از باخلاق‌ترین و حرفه‌ای‌ترین‌ها بودند که با وجود تفاوت سلیقه، با کمال احترام در کنار یکدیگر توانستیم درباره فیلم‌ها نظر بدهیم. ضمن اینکه به هیچ‌وجه نمی‌توان این طیف را به جناح و جریان خاصی چسباند. من با قاطعیت می‌گویم که در مدت این یک هفته ندیدم کسی کینه‌ای یا عداوتی با کسی یا فیلمی داشته باشد

که بخواهد روی داوری‌ها تأثیر بگذارد. شکل داوری هم به این صورت بود که بحث‌های مفصلی صورت می‌گرفت که در نهایت به اتفاق آرا می‌رسیدیم و اگر گاهی درباره فیلمی اتفاق آرا وجود نداشت، در

نهایت رای‌گیری می‌کردیم. در نهایت هم وقتی زیر برکه را امضا می‌کردیم، دیگر کسی نمی‌گفت که رای من چیز دیگری بود.

هیأت داوران، فیلم‌ها را در چه شرایطی دیدند؟ ما هفت‌نفر در یک هفته در کنار هم، فیلم‌ها را روی پرده دیدیم. حتی در مورد بعضی از فیلم‌هایی که ابهاماتی داشتیم آنها را دوباره و باز هم روی پرده می‌دیدیم.

یکی از اعتراضاتی که به داوری‌ها صورت گرفت، نامزدنشدن فیلم «بادیگارد» در دو بخش بهترین فیلم و کارگردانی بود. چرا این طوری شد؟ اصلا داستان چه بود؟

اصولا من معتقدم هر کسی به اندازه خودش بر کردن سینمای ایران حق دارد از جمله آقای حاتمی‌کیا با آثارشان در سینمای ایران جای مشخص خود را دارند. اما واقعا نباید با توهم

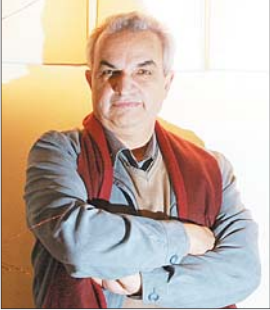
گفت‌وگو با ابوالحسن داوودی، داور جشنواره فجر

سینمای ایران، مقهور نام‌ها



عکس: تسنیم

توطئه یا بر مبنای سهم‌خواهی به سینما نگاه کنیم. به‌عنوان مثال من به‌عنوان فیلم‌ساز می‌دانم که در مدت حضور ۳۰ ساله‌ام در سینما و با ۶۰ سال سن، هم فیلم خوب ساختم‌ام و هم فیلم بد. طبعاً دلیل نمی‌شود برخورد آدم‌ها با همه



فیلم‌هایم یک‌چور باشد. داوری جشنواره‌ای اغلب اوقات در دنیا قواعد و چارچوب مشخصی دارد. اما در مورد جشنواره فیلم فجر که محصولات یک‌ساله سینمای ایران بر گرده‌اش تلنبار می‌شود، تعریف و معیار مشخصی برای داوری در جشنواره جاری نیست. به‌همین دلیل بعد از داوری‌ها عده‌ای مخالفند و عده‌ای دیگر

راضی و خوشحال، چون متر و معیاری وجود ندارد

و اصلا این خاصیت جشنواره فیلم فجر است. در این شرایط بی‌معیاری، هر گروه داوری متر و سلیقه حرفه‌ای خودش را دارد و البته با حضور فیلم‌سازان شاخص همچون ابراهیم حاتمی‌کیا قضیه جدی‌تر می‌شود. فیلم «بادیگارد» از جمله مواردی بود که مجبور شدیم رای‌گیری کنیم و در این رای‌گیری

با جابه‌جاشدن یک رای، فیلمی حذف از جرگه کاندیداها جایگزین می‌شد. این نوع حذف از جرگه کاندیداها هم به‌هیچ‌عنوان به معنای کم‌ارزش بودن مطلق فیلمی نیست و همین‌طور اضافه‌شدن فیلمی به‌معنای ارزشمندبودن مطلق آن نیست. ضمن اینکه همان‌طور که گفتم عنادی وجود نداشت و همه ما فقط درباره فیلم‌ها نظر می‌دادیم و نه افراد. **آقای داوودی چطور می‌شود به فیلم «ابد و یک روز» که دو جایزه بهترین فیلم‌نامه و کارگردانی اهدا می‌شود، امدار نهایت در بهترین فیلم رای نمی‌آورد. آن‌وقت جایزه بهترین فیلم به «ایستاده در غبار» تعلق می‌گیرد؟ کلا این‌گونه است که هر فیلمی آن دو جایزه اصلی را بگیرد، خودبه‌خود بهترین فیلم محسوب می‌شود؟ این نکته به نظر می‌رسد ایراد فنی داشته باشد!**

شاید این مورد فرض خلافش درست باشد! یعنی اگر فیلمی در دو بخش فیلم‌نامه و کارگردانی نامزد نشود ولی بعد جایزه بهترین فیلم را بگیرد، می‌تواند یک اشکال بزرگ محسوب شود، اما وقتی منتخب بهترین فیلم در رشته‌های اصلی و از جمله بهترین فیلم‌نامه و کارگردانی هم کاندیدا شده، طبعاً می‌تواند بهترین فیلم هم باشد. ببینید جشنواره محدودیت‌هایی دارد. ما نمی‌توانستیم دو فیلم را به‌عنوان منتخب بهترین فیلم معرفی کنیم. طبعاً «ابد و یک روز» به دلیل دریافت جایزه بهترین فیلم‌نامه و کارگردانی، بهترین فیلم هم محسوب می‌شد. اما اگر این جایزه را به «ایستاده در غبار» نمی‌دادیم، حقیش ضایع می‌شد. چون این فیلم هم واجد ارزش بسیاری بود.

این دوره جشنواره خرق‌عادت کرد. با وجود فیلم‌های فیلم‌سازان بزرگ، به دو جوان خوش‌فکر و نوجو جایزه داد. تلیلان از این مسئله چیست؟

واقعیت این است که سال‌هاست سینمای ایران مقهور نام‌ها شده و این نام‌ها رفته‌رفته به تابوهایی تبدیل شده‌اند که انگار هر نوع داوری به آثار آنها خطاست. بنابراین ما فیلم‌ها را جدا از تیتراژشان دیدیم. خودمان را درگیر حاشیه‌ها و اسم‌ها نکردیم و البته در این مسیر با استعدادهای غالباً جوانی مواجه شدیم که تصور می‌کنیم آینده سینمای ایران را رقم خواهند زد.

گفت‌وگو با کارگردان بهترین فیلم جشنواره

حمله به «ابد و یک روز» را درک نمی‌کنم

شرق: محمدحسین مهدویان، کارگردان ۳۴ساله‌ای است که با «ایستاده در غبار» که اولین ساخته سینمایی اوست، در جشنواره فجر خوش درخشید و توانست چند سیمرغ به خانه ببرد. با او به این بهانه گفت‌وگو کرده‌ایم.

وقتی فیلم «ایستاده در غبار» به کارگردانی شما و فیلم «ابد و یک روز» به کارگردانی سعید روستایی در بخش‌های زیادی نامزد می‌شوند و سیمرغ می‌گیرند، گفته می‌شود سینمای ما شاهد نسل تازه‌ای از فیلم‌سازان است که آمده‌اند جای بزرگان بنشینند. از طرفی این توجه و بهادادن به فیلم اولی‌ها از سوی منتقدان پرسش‌برانگیز شده است. نکته مهم این است که به باور برخی بهادادن بیش‌ازحد به فیلم‌های اول، به آینده کارگردان‌های جوانشان آسیب می‌زند. نظرتان چیست؟

چنین چیزی یک مقدار به خود افراد بستگی دارد. من شخصا با دیده‌شدن فیلم‌ها از سوی هیأت داوران، انگیزه زیادی پیدا کردم برای اینکه فیلم بعدی‌ام را بازم، یک مقدار هم آینده مسیر ما، به شرایط سینما

بستگی دارد. این صرفاً به دیده‌شدن و سیمرغ ربطی ندارد. گاهی شرایط کلی سینما خوب نیست و برای همین نمی‌توان فیلم ساخت. من ایده‌هایی دارم که می‌خواهم شروع به ساختشان کنم، حتی اگر دیده هم نشود. قرار نیست سینما در این مملکت تمام بشود. اگر ما جشنواره‌ای داشتیم که نسل جدید می‌آمدند و چیزی عرضه نمی‌کردند که خیلی ناامیدکننده بود. باید به جوان‌ها توجه کرد و مردم و مسئولان هم از حضورشان استقبال کنند. واقعا باید حواس مردم و مسئولان به ما باشد و ما را به حال خودمان رها نکنند.

در روزهای جشنواره در برخی محافل سینمایی، حملات تندیه به فیلم «ابد و یک روز» شد. نظر شما درباره این فیلم که رقابت تنگاتنگی هم با شما داشت چیست؟

«ابد و یک روز» را ندیده‌ام، ولی فکر می‌کنم فارغ از این سیاسی بازی‌ها، به فیلم خوب باید توجه کرد. فیلم سعید روستایی حتی اگر فیلم بدی هم باشد، من حولات به آن را درک نمی‌کنم. عرصه فرهنگ و هنر، عرصه خفگی‌های سیاسی نیست. در مراسم جشن

مرکز تبادل کتاب
کتابخانه خود را نو کنید
کتابهای خوانده شده خود را با کتابهای دیگران **مبادله کنید یا اهدا کنید**
هر روز بغیر از روزهای تعطیل ۹ صبح تا ۹ شب
www.tabadolketab.com
آدرس: چهارراه ولیعصر، ابتدای مظفرشمالی ۶۶۱ ۷۷ ۸۹۲

جشنواره فیلم برلین آغاز شد

● شرق: آرش عزیزی، برلین: یک‌ماهی از سال جدید میلادی گذشته اما سال نوی اهالی سینمای اروپا ۲۲ بهمن با کلیدخوردن جشنواره فیلم برلین تحویل شد. شصت و ششمین «برلیناله» ۴۰۰ فیلم را در مدت ۱۰ روز برای میلیون‌ها تماشاگر و سینماگرانی که از بیش از ۱۳۰ کشور آمده‌اند و البته چهارهزارو ۲۰۰ روزنامه‌نگار از بیش از ۱۱۰ کشور، به نمایش می‌گذارد. مدیر جشنواره برلین در گفت‌وگوهای اخیرش دو تم عمومی برای جشنواره اعلام کرد: یکی جست‌وجوی انسان برای خوشبختی و دیگری داستان مهاجرت؛ داستانی که اروپا این روزها خوب با آن آشناست و بی‌ارتباط با اولی هم نیست.

همین است که تماشاگران «برلیناله» امسال لاجرم دنبال داستان‌های خاورمیانه هم می‌گردند و سرشان بی‌کلاه هم نمی‌ماند. از ۱۸ فیلم بخش مسابقه «آژدها وارد می‌شود» مانی حقیقی و «هدی»، ساخته محمدبن عطیه که محصول مشترک تونس با فرانسه و بلژیک است، دو تا از پرامیدها هستند گرچه بعضی‌ها می‌گویند بعید است برلین بخواهد برای دومین سال پیاپی خرس طلایی را به فیلمی ایرانی اهدا کند. اما حرف ایران به‌کنار، خیلی‌ها منتظر دیدن فیلم مانی حقیقی هستند که داستان آن به فردای روز تروور حسنعلی منصور در سال ۱۳۴۳ برمی‌گردد و تحقیقات یک مأمور پلیس که از جزیره قشم شروع می‌شود. «هدی» تونسلی ماجرای عاشقانه‌ای با پیش‌زمینه بهارعربی است و پنج سال پس از آن رویداد پرشور که «زمستانش» مدتی است فرا رسیده، اشتیاق شنیدن داستانی از تنها تن‌نگاه موفق آن بسیار است. به غیر از این، «نرو هسم» نیز محصول مشترک فرانسه، آلمان و مکزیک است اما همه می‌دانند کارگردانش، رفیع پیتز، اهل کجاست. موضوع فیلم البته سیم‌خاردار، کدایی روی مرز مکزیک و آمریکا است. «لاتوری»، رضا درمیشیان، مستند «روئای دو صبح»، مهرداد اسکویی و «والد라마» ساخته عباس امینی سه فیلم ایرانی دیگر برلین ۶۶ هستند که اولی در بخش «پانوراما» نمایش داده می‌شود که مخصوص مستقل‌هاست و دو تای دیگر در بخش فیلم‌های خاص نوجوانان.



اما اگر کارهای عجیب‌وغریب حقیقی و پیتز خیلی‌ها را شیشه می‌کند، یک فیلم دیگر بخش مسابقه در غریبی از همه جلوتر است: «لالایی اسرار غم‌بار»، آخرین ساخته لاو دیزا، فیلیپینی، درام حماسی هشت‌ساعتی‌ای است که به زندگی اندرس بونیفاسیو، چهره نامدار جنبش استقلال این کشور، می‌پردازد. دیزا را مستقل از «تکامل خانواده فیلیپینی» و «مالیخولیا» می‌شناسیم، اما باید دید جواب این قدم جسورانه چه خواهد بود. از دیگر پرامیدهای بخش مسابقه، دانیس تانوویچ بوسنیایی است که با «مرگ در سارایوو» به برلین آمده. از این فیلم‌های غیرمنتظره که بگذریم، بیشتر نئرسیات عامه‌خوان از «تایفه» مایکل گراندیچ حرف می‌زند؛ کارگردان بریتانیایی که پس از سال‌ها حضور در تاترا، اولین فیلم سینمایی‌اش را ساخته است. برلیناله امسال درضمن خیلی به این موضوع می‌تازد که دو فیلم مستند هم جزء بخش مسابقه هستند. الکس گینبی آمریکایی که شاید موفق‌ترین مستندساز این کشور باشد، با «صفر روز» آمده که موضوعش جرائم اینترنتی است. اگر بخواهیم اسم سه فیلم دیگر از بخش مسابقه را بیاوریم: «کمون» ساخته توماس وینترسبرگ دانمارکی، که به همراه لارس فون‌تریه از بنیان‌گذاران جنبش «دگما ۹۵» بود. داستان جمعی از دوستان است که در خانه بزرگی در شمال کپنهاگ جمع می‌شوند و وارد زندگی جمعی‌ای می‌شوند که نتایجی غیرمنتظره دارد: «تنها در برلین» ونیسنت پرز سوئیسی (که «سیرانو دو برزاک» فرانسوی او معروف است) داستان دیگری از جنگ جهانی دوم و مقاومت خانواده‌ای کارگری علیه هیتلر است؛ و «پورس بدون بناتریس» دنیس کوت کانادایی فرانسوی‌زبان که داستان مردی است که حین نگهداری از همسر در حال مرگش، رابطه‌ای خارج از ازدواج را آغاز می‌کند. اما مطابق معمول بعضی از معروف‌ترین اسامی در بخش غیرمسابقه هستند: جشنواره را برادران کوئن با «سلام سزارا» آغاز کردند که داستان آن در سال‌های طلایی هالیوود می‌گذرد. از الان می‌توان حدس زد که نصف برلین در روزهای جشنواره دنبال بازیگر این فیلم، جورج کلونی، می‌گردند. ترنس دیویس انگلیسی هم با اولین نمایش جهانی «شور بی‌صد» آمده، مایکل مور با اولین فیلمش در چند سال گذشته (دفعه‌هنگام کجا را اشغال کنیم؟) و اسپایک لی با «شی-راک» که این‌بار به جای شهر محبوبش نیویورک در محله سیاهان شیکاگو می‌گذرد. خبرنگار «شرق» به‌ویژه مشتاق دیدن اثر آهو اوزتورک ترکیه از معدود کارگردانان زن این کشور است که پایش به دنیای جشنواره‌ها باز شده. «پارچه خاکی» او ماجرای دو زن کردتبار نظافتچی در استانبول است. مریل استریپ شهیر در صدر هیأت داوران امسال است و خرس طلایی و خرس‌های نقره‌ای، ۲۰ فوریه اهدا می‌شوند. اما ضیافت سینما تازه آغاز شده و فعلا نوبت سورچرانی و فیلم‌دیدن بی‌وقفه مردم و داوران است.